



① فضای جبهه‌ها نیز پس از سخنرانی امام تغییر کرد هرچند هنوز ایرانی‌ها وعده می‌دادند که پس از آزادی کربلا نوبت به قدس می‌رسد.

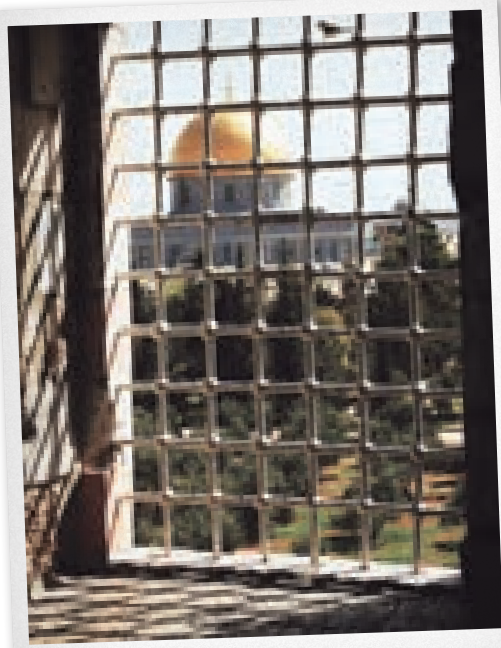
① ۵ خرداد، تهران. رژه‌ی نیروهای ارتش. دو روز پس از فتح خرمشهر، حدود یک هفته پیش از حمله‌ی اسرائیل به لبنان.

در جستجوی سرِ صدام

در بهار سال ۱۹۸۲ ایرانیان پس از چهار هفته جنگ بی‌وقفه خرمشهر را آزاد کردند و تعدادی عراقی را به اسارت گرفتند. صدام حسین که مشاهده کرد زره‌پوش‌های ایرانی از مرز گذشته وارد خاک عراق شده‌اند خود را در خطر دید و اظهار داشت من وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ام و اکنون آماده‌ام برای یک آتش‌بس مذاکره کنم. پاسخ ایرانیان همان بود که آمریکا در جنگ جهانی دوم به ژاپن داد، زمانی که در اقیانوس آرام در صحنه‌ی جنگ ورق برگشت «تسلیم بدون قید و شرط.»

از یادداشت‌های سر الدون گریفیث
سیاستمدار انگلیسی

② اهمیت مسأله‌ی قدس برای انقلابیون در همان روزهای اول انقلاب خودش را نشان داد؛ اولین مهمان انقلاب یاسر عرفات بود که به تهران آمد و سفارت سابق رژیم صهیونیستی را تحویل گرفت.



کنیم. یعنی، همه‌ی گویندگان ما در سرتاسر کشور و همه‌ی ائمه‌ی جماعت ما در سرتاسر کشور، این مسئله را بگویند، بگویند که ما از راهی که شکست عراق است، به لبنان برویم. عراق را نگذاریم سرجای خودش بایستد و جمع کند قدرت خودش را و دیگران هم به او کمک کنند و مرزهای خودش را قوی کند و بعد هم یک حمله‌ی ناگهانی به ما بکند.»

بعد گفت که نطق صدام را گوش داده است؛ نطقی که گویا از روی متن می‌خواند و امام معتقد بود: «آن‌هایی که نقشه در دستشان است نوشتند و دادند دست صدام که او بخواند و من آن طوری که از حال صدام در نظر ام است، این است که حال صدام این نیست که بتواند تفکر کند یا بتواند یک چیزی بنویسد. او این چیزها را از دست داده است.» امام گفت که نطق صدام پر از هذیان است؛ «اگر یک آدمی بود که به قدر یک جوان کلاس اول ادراک داشت، این را نمی‌خواند، این چیزی که برایش نوشتند، نمی‌خواند. نمی‌دانید چقدر از پیروزی‌های خودش نقل کرده! چقدر از شجاعت‌های لشکر خودش که در همه‌ی جبهه‌ها پیروز شدند، چقدر ذکر کرده است! این را بخوانید و بخندید! می‌گوید که ما این عقب‌نشینی‌مان پیروزی بزرگی است برای ملت عراق! ما ملت عراق را نجات دادیم از این کشور. مثلا، کی؟ از این کشور اسلامی، این‌ها ریختند در کشور ما و جنگ شروع کردند و ما جلو آن‌ها را گرفتیم و عقب زدیم آن‌ها را و بردیم تا آبادان و اهواز! یک آدمی که عقلش تا یک اندازه‌ی یک جوانی سرجا باشد...»

امام گفت بیشتر از یک ساعت وقتش صرف سخنرانی صدام شده است. بعد گفت اگر عقب‌نشینی کامل شود تازه یکی از شرط‌های ایران محقق شده؛ «ولی چند تا مطلب دیگر داریم باید حاصل بشود، تا حاصل نشود ما در حال جنگ هستیم. یکی این که این همه خسارتی که به ما وارد کردی...»

پس از این سخنرانی امام، شعار راه قدس از کربلا می‌گذرد محور تبلیغاتی ایرانی‌ها شد و ایران مهبای عملیاتی تازه برای ورود به خاک عراق شد.

درست کرد. یعنی، آن نوکر خودش را فرستاد به این که حمله کند به لبنان.» گفت که این آن چیزی است که از ابرقدرت‌ها شناخته است و: «آن‌ها دنبال این هستند که صدام را در این طرف سر جای خودش نگه دارند.» امام گفت که حساسیت اصلی آمریکایی‌ها روی شوروی است و به شدت نگران هستند اگر صدام سقوط کند «شوروی بتواند در این جاها یک غلطی بکند، لکن ما می‌دانیم که نمی‌تواند.» تحلیلش این بود که ویرانی لبنان و مسائل آن‌جا برای آمریکا اهمیتی ندارد و به همین دلیل اسرائیل را وادار به حمله کرده است و «توفیقی است برای آمریکا که ایران جنگ خودش را فراموش کرد و هم عراق را از دست می‌دهد و هم لبنان را. نه می‌تواند در عراق کاری بکند و نه می‌تواند در لبنان. ما راهمان این است که باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم، نه مستقلا.» نظر امام این بود: «باید ما این نقشه‌ای که آمریکا کشیده است برای ما، خنثی

۲۲ خرداد

امام شرط‌های ایران برای پایان دادن به جنگ را اعلام کرد.

«عقب‌نشینی نیروهای عراقی مترادف با بازگشت صلح نیست. تلاش نافرجام عراق برای تصرف استان نفت‌خیز [ایران] صرفا تمایلات توسعه‌طلبانه‌ی انقلاب اسلامی را افزایش داده است.»

فرانکفورتر آلگماینه، چاپ فرانکفورت، آلمان، ۳ خرداد ۶۱